

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید ما در جلسات قبل وارد بحث ظهورات شدیم؛ در بحث ظهورات ما یک بحث صغروی داریم و یک بحث کبروی؛ بحث صغروی: مباحثی است که دنبال ظهور می‌گردد و صغریات ظهور را پیدا می‌کند مانند اینکه آیا صیغه امر ظهور در وجوب دارد یا نه؟ آیا نهی ظهور در حرمت دارد یا نه؟ بحث مفاهیم، بحث حجیت قول لغوی و... الان ما در صد بحث کبروی هستیم (حجیت ظهور) نه صغروی.

بحث ما در کبری است و صغری مفروض گرفته شده است مثلاً: وقتی از اصالة العموم، اصالة الاطلاق، و... بحث می‌کنیم به این معناست که کلام ظهورش تمام است اما ما نمی‌دانیم آیا متکلم این ظاهر را قصد کرده یا نه؟ نکته: شکی نیست که بنای عقلا بر این است که مکتوبات و صحبت های افراد حجت است. مرحوم آخوند در عبارتش چند عبارت (لافرق) داشت به این عنوان که فرقی ندارد در حجیت ظواهر به اینکه ظن به خلاف باشد یا نه؟ مقصود بالافهام باشد یا نه؟ و... به عبارت مرحوم آخوند اشکالاتی وارد شد؛ و ما در ادامه پرسش های را مطرح کردیم و در صد پاسخ برای این پرسش ها شدیم؛ ما در شش محور و در بیش از بیست سوال، پرسش های خود را بیان کردیم. نکته: ما اگر نگاهمان اقامه حجت باشد اصول عملیه چاق می‌شود اما اگر بگوییم مجتهد حتی الامکان باید واقع را کشف کند در این صورت توجه به اصول عملیه کم می‌شود و تمرکز به روی ادله و مقاصد بیشتر می‌شود. ما با عنوان پاسخ به پرسش ها وارد بحث می‌شویم؛ ممکن است ما پرسش ها را به ترتیب پاسخ ندهیم چرا که ما در صد بیان برخی بنیان ها هستیم که با حل شدن این بنیان ها پاسخ برخی از این پرسش ها روشن خواهد شد. برخی از این پرسش های که به آن پرداختیم در کلمات فقهاء یا اصلاً بحث نشده اند، برخی مفصل بحث شده اند و برخی مورد اشاره واقع شده اند.

پرسش های که به تفصیل در بین فقهاء مورد بحث واقع شده اند مورد اختلاف بین فقهاء است حتی گاهی یک محقق دو نظر از خود بجای گذاشته است.

به عنوان مثال یکی از پرسش ها این بود: اصولی که ما داریم مانند اصل عدم قرینه، اصل عدم خیانت، اصالة الاطلاق، اصالة الظهور و... آیا این اصول مستقل هستند و دارای مجری جداگانه می‌باشند یا نه یکی این اصول مرجع برای سایر اصول است؟ مثلاً اصل عدم قرینه مرجع باشد برای برخی از اصول.

در اینجا برخی معتقدند اصل ظهور، اصل حقیقت، واطلاق برمی‌گردند به اصل عدم قرینه و عدم قرینه ریشه و بنیان است؛ مرحوم شیخ انصاری در رسائل طرفدار همین اندیشه است.

امروزه می‌گویند: ما یک بحث ظهور شناسی داریم و یک بحث پس از ظهور مثلاً می‌دانیم لفظ صعید معنایش چیست، اما در مراد متکلم شک داریم. اصل حقیقت، اصل اطلاق و.. از قبیل دوم است یعنی بحث پس از ظهور است.

توضیح کلام شیخ: اگر ما یقین به کلام متکلم داشتیم در این صورت مراد متکلم روشن است و آن را اخذ می‌کنیم اما در جایی که شک داریم اصل عدم صارفه از ظهور را پیاده می‌کنیم در واقع اصالة الظهور همان اصل عدم قرینه بر مجاز است؛ اصالة العموم همان اصل عدم قرینه بر تخصیص است و اصالة الاطلاق همان اصل عدم قرینه بر تقیید است؛ و لذا اگر شخص یقین به عدم قرینه داشته باشد شک در اطلاق و عموم و... نمی‌کند.

در مقابل مرحوم شیخ، مرحوم آخوند و مرحوم امام هستند که این دو بزرگوار تمامی اصول را به اصالة الظهور بر می‌گردانند.

کلام امام را می‌توانید در انوار الهدایة و کلام مرحوم آخوند را در حاشیه بر رسائل ببینید. اما کلام مرحوم امام خمینی: این اصول برخاسته از خرد انسان هاست و لذا باید ببینیم عقلا چند اصل دارند آیا این اصول را به هم برمی‌گردانند یا اینها را مستقل تلقی می‌کنند.

مرحوم امام و مرحوم آخوند: این اصول نمودهای یک اصل به نام اصالة الظهور هستند آنچه عقلا دارند این است که ظاهر کلام گوینده را به او تحمیل می‌کنند. نکته: کلام موضوعیت ندارد و این در مکتوبات هم جاری است.

ادامه کلام امام از زبان استاد علیدوست: فرض کنید متکلمی جمله ای می‌گوید و ظاهرش عام است اما مطمئن نیستیم متکلم مرادش عام بوده یا نه؟

مثلاً یک شخص متدینی می‌گوید همه مردم قم بد هستند. می‌گوییم این عام در عموم ظهور ندارد با اینکه یقین داریم تخصیص و تقییدی نزده است؛ خلاصه این کلام یا ظهور ندارد و یا دارد اما ظهورش حجت نیست (بنا بر اختلاف تعبیر). خلاصه کلام مرحوم امام و مرحوم آخوند: اگر کلام به ظهور نرسد سایر اصول به درد نمی‌خورد و اگر کلام ظهور داشته باشد کار به سایر اصول نداریم. مرحوم امام: عقلا بجز اصل ظهور اصلی ندارند.

ثمره بحث: اگر اصل عدم قرینه موضوعیت داشته باشد وقتی ما کلامی می‌شنویم جدای از اصالة الظهور ما باید اصل عدم قرینه جاری کنیم اما اگر اصل عدم قرینه را به اصالة الظهور بر گردانیم با وجود ظهور به اصل عدم قرینه اعتنا نمی‌شود.

ما اندیشه سوم و چهارمی هم در بحث داریم؛ اندیشه سوم هم از مرحوم امام است در دور دوم اصول ایشان مرحوم امام می‌فرماید ما قبلاً گفتیم که تمامی اصول به اصل ظهور بر می‌گردد اما در دور دوم از این نظر بر می‌گردیم. دوستان کتاب نه‌ایة الافکار و تهذیب الاصول را ملاحظه بفرمایند.

الحمد لله رب العالمین